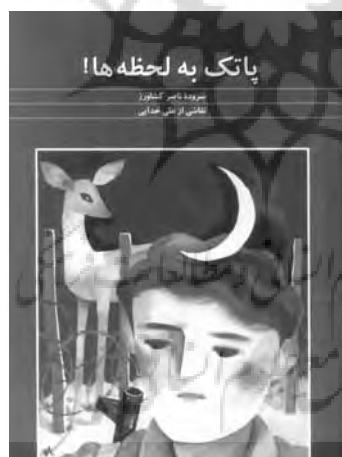


پاتک

به لحظه‌های مخاطب

نگار نوبهار



عنوان کتاب: پاتک به لحظه‌ها!

شاعر: ناصر کشاورز

تصویرگر: علی خدایی

ناشر: صریر، کتاب‌های شهید فهمیده

نوبت چاپ: دوم، ۱۳۸۵

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۲۴ صفحه

بها: ۴۰۰ تومان

اما چند سالی است شاعران کودک و نوجوان به موضوع جنگ، به شکل جدی‌تری می‌نگرند و برخی ناشران نیز نسبت به چاپ و انتشار آثاری با رویکرد دفاع مقدس و موضوع‌های مرتبط با آن، اقبال بیش‌تری نشان می‌دهند. کتاب «پاتک به لحظه‌ها»، سروده ناصر کشاورز، یکی از مجموعه شعرهایی است که به شکل مستقل، تمام سروده‌های آن حول و حوش جبهه و جنگ و مسائل مربوط به آن می‌چرخد. در صفحه نخست این کتاب آمده است: «مجموعه شعر جنگ برای نوجوانان». البته در تقسیم‌بندی معمول گروه‌های سنی، نوجوان شامل گروه‌های سنی «د» و

از آن زمان که به خاطر می‌آورم، در میان شعرهای کودک و نوجوان، سروده‌هایی با موضوع جنگ و دفاع مقدس که متناسب با سن و سال و روحیات این طیف باشد. کم داشته‌ایم؛ شعرهایی که در عین برخورداری از جوهره شعری غنی، بتواند به خوبی فضا و حال و هوای جبهه و جنگ و رشادتهای رزمندگان و ایثار و شهادت آن‌ها را منعکس کند. آن‌چه داشتیم، سروده‌هایی اندک و انگشت‌شمار از برخی شاعران بوده است که گاه در کتاب‌های درسی نیز چاپ می‌شدند و نیز شعرهایی به صورت پراکنده، در مجموعه شعرهای شاعران کودک و نوجوان.

شاعر با تشبیه «مین» به گله گرگ‌های خون‌خوار که در کمین آهو هستند، ارتباط معنایی زیبایی میان عناصر شعر ایجاد کرده است:

منطقه، آرام و خاموش
نیمه‌شب، مهتاب: کم‌نور
یک بسیجی پای سنگر
می‌رسد آهوئی از دور

...

●

گله مین‌های وحشی
مثل چندین گرگ خونخوار
در کمین صید، مخفی
پشت سنگ و بوته و خار

●

عکس آن آهو می‌افتد
توی چشمان بسیجی
می‌خروشد مثل دریا
موج ایمان بسیجی

(گله من، ص ۴)

در شعر «چای می‌چسبد» هم شاعر همه ذهنیت‌های منفی و کلیشه‌ای را که در ذهن مخاطب نسبت به «دشمن» وجود دارد، می‌شکند. او به جای آن که مانند شعرهای پیش

«ه»، یعنی دوران راهنمایی و دبیرستان می‌شود، اما چنان که از سروده‌ها و زبان و حال و هوای آن برمی‌آید و نیز آن گونه که تصویرگری کتاب نشان می‌دهد، شعرهای مناسب گروه سنی «ج»، یعنی پایان دوران دبستان است. به نظر می‌رسد تعیین عنوان «نوجوان» برای مخاطب این کتاب، قدری با سهل‌انگاری صورت گرفته؛ هر چند برخی شعرها را می‌توان با اغماض برای دوره راهنمایی هم مناسب دانست.

از این نکته که بگذریم، باید به تصویرگری زیبا و جذاب کتاب، به عنوان یکی از نقاط قوت و مثبت کتاب اشاره کرد. «علی‌خدایی» که تصویرگری‌های کودکانه و زیبایی‌ش را در بسیاری از کتاب‌های کودک و نوجوان دیده‌ایم، این بار نیز با طرح‌ها و رنگ‌های زنده و جذابش، به کمک شعرهای این مجموعه آمده است؛ تصاویری که در عین سادگی، سرشار از خیال هستند و می‌توانند به راحتی مخاطب را ترغیب کنند تا به سمت کتاب برود و آن را ورق بزند. از نمونه‌های خوب تصویر که خیال‌انگیز و مرتبط با مضمون شعرها هستند، می‌توان به تصاویر مربوط به شعرهای «عقاب آتشین»، «ترکش طلایی» و «زنپورهای سربی» اشاره کرد که ذهن مخاطب را برای درک و دریافت شاعرانه و خیال‌انگیز از مفهوم شعر هدایت می‌کنند.

در کتاب «پاتک به لحظه‌ها»، ده شعر می‌خوانیم. همه این شعرها به نوعی در جبهه و منطقه جنگی می‌گذرند. قالب تمام شعرها، چارپاره و جالب این که وزن تمام شعرها هم مشترک است. البته این موضوع می‌تواند برای مخاطب قدری خسته‌کننده و ملال‌آور باشد؛ به گونه‌ای که به نظر می‌رسد به جای ده شعر مجزا، با یک شعر بلند دنباله‌دار روبه‌رو هستیم و بهتر بود شاعر اوزان متنوعی را برای شعرها انتخاب می‌کرد.

شاعر کوشیده است از زاویه‌ای جدید به مقوله جبهه و جنگ بنگرد و به سوژه‌هایی نظر دارد که تاکنون کمتر درباره آن شعری خوانده‌ایم. او به جای آن که با تکرار دوباره موضوع‌های همیشگی جنگ، مثل ستودن شجاعت رزمندگان، نکوهش بی‌رحمی و پلیدی دشمنان، تمجید و ستایش از مقام والای شهیدان و... که به شکل‌های کلیشه‌ای در اشعار دیگر شاعران دیده‌ایم، به گوشه‌هایی از جبهه و جنگ نظر انداخته که برای مخاطب تازگی دارد.

به عنوان مثال در شعر «گله مین»، به توصیف یک شب مهتابی و یک بسیجی که در حال نماز خواندن است، می‌پردازد. آهوئی معصوم و بی‌خبر وارد میدان مین می‌شود.



از این، به ترسیم چهره‌ای کریه و کاملاً منفی از سربازان دشمن پردازد، بدون هر گونه قضاوت، او را که حالا اسیری دست بسته است، توصیف کرده و از رفتار شایسته و انسان دوستانه رزمنده ایرانی با او می‌گوید و در واقع به گونه‌ای غیر مستقیم، به ستایش انسان دوستی می‌پردازد:

در غروبی سرد ودلگیر
یک اسیر دست بسته
روبه‌روی یک بسیجی
توی یک سنگر نشسته

● مانده‌اند از صبح، تنها
دور از هم‌رزم‌هاشان
ساکت و ناهم‌زبانند
در نمی‌آید صدایشان

● ...
می‌نشیند پیش دشمن
با لبی لبریز لبخند
در دهان دشمن خود
می‌گذارد حبه‌ای قند!

● دست‌های بسته‌اش را
با محبت می‌کند باز
بعد می‌گوید به شوخی:
«چای می‌چسبد، نکن ناز!»

...
(چای می‌چسبد، ص ۶)
در شعر دیگری با عنوان «مادر سنگر»، شاعر حال و هوای سربازان و بسیجیان و زندگی گروهی آن‌ها را نشان می‌دهد و از آن‌ها به عنوان خانواده‌ای یاد می‌کند که هر یک به نوبت «مادر سنگر» می‌شود و با انجام کارهای خانه (سنگر)، فرزندان خود (رزمندگان) را راهی میدان جنگ می‌کند. او در این شعر نیز به شکلی غیر مستقیم فرهنگ جبهه، ساده‌زیستی رزمندگان، صمیمیت و برادری آن‌ها را به مخاطب نشان می‌دهد:

چند سرباز و بسیجی
خانه‌شان در کوچه جنگ
دور هم چون خانواده
در اتاقی کوچک و تنگ
می‌شود هر یک به نوبت
مادر یک روزِ سنگر
دیگران فرزند و او نیز
مهربان مانند مادر

● بچه‌ها را اول صبح

می‌دهد چای و کمی نان
با دعای خیر و شوخی
می‌فرستد سوی میدان

(مادر سنگر، ص ۱۴)

ارزش و اهمیت چنین شعرهایی، جدا از تازگی و ابتکاری که سوزهای آن‌ها دارد، در این است که به مخاطب کودک و نوجوان کمک می‌کند تا تصویری روشن و به دور از هر گونه پیش‌داوری و یا قضاوت یک‌جانبه در مورد جنگ که اکنون در فرهنگ ما با عنوان «دفاع مقدس» از آن یاد می‌شود، در ذهن داشته باشد؛ کودک و نوجوانی که احتمالاً تاکنون هر چه درباره جنگ شنیده، زشت و منفی بوده است. هر چه دیده، خشونت و کشتار و بی‌رحمی و آوارگی بوده است. در حقیقت، چنین شعرهایی با این رویکرد، بیان و تعبیر تلطیف شده جنگی مقدس است. گذشته از آن، چنین سروده‌هایی می‌تواند پاسخ محکمی باشد به آن دسته از شاعران یا منتقدانی که معتقدند برای جلوگیری از ترویج خشونت، باید از آوردن موضوعات مرتبط با جنگ و مبارزه در شعر کودک و نوجوان پرهیز کرد.

فرهنگ واژگان

نکته دیگری که در کتاب «پاتک به لحظه‌ها» جای تأمل دارد، اقدام شاعر در آوردن معنا و توضیح برخی از کلمات و اصطلاحات شعرهاست در پاورقی. این نکته از دو منظر قابل بحث است. در نگاه اول، شاید بگوییم این از نقاط ضعف یک شعر است که نیاز به توضیح داشته باشد و شاعر ناگزیر از آوردن پاورقی و نوشتن معنای واژه‌ها باشد؛ چرا که شاعر کودک و نوجوان، باید شناخت صحیحی از مخاطب خود داشته و در هنگام سرودن شعر برای او، به سطح اطلاعات و دانش او و نیز ذخیره واژگانی‌اش توجه داشته باشد تا مجبور نباشد کلمات دشوار و دور از ذهن مخاطب را برای او توضیح دهد و معنا کند. اما از منظری دیگر، باید گفت این نکته همه جا مصداق نمی‌یابد. به عنوان مثال، در کتابی مثل «پاتک به لحظه‌ها» که موضوع آن جبهه و جنگ است، ناگزیر شاعر نیاز به استفاده از برخی اصطلاحات و واژه‌های خاص جبهه و جنگ دارد. مگر می‌توان ده شعر برای جبهه گفت و در هیچ کدام کلماتی چون خمپاره، موشک، ترکش، خاکریز... را هرگز به کار نبرد؟ کودک و نوجوان، با بسیاری از این واژه‌ها بیگانه است و اتفاقاً باید گفت شاعر چه کار خوبی کرده که معنی برخی از این واژه‌ها را به زبان ساده توضیح داده است. او در واقع با این کار، هم به گسترش ذخیره واژگانی مخاطبش کمک کرده و هم یک فرهنگ کوچک از کلمات خاص جبهه ایجاد کرده است. کلماتی که شاعر در این کتاب معنایش را توضیح داده، عبارتند از: «مین، آرپی جی، ترکش طلایی، خاکریز، دیدگاه، منور، باک»، اما متأسفانه برخی کلمات را فراموش کرده است، توضیح دهد

او به جای آن‌که
با تکرار دوباره
موضوع‌های
همیشگی جنگ،
مثل ستودن
شجاعت رزمندگان،
نکوهش بی‌رحمی
و پلیدی دشمنان،
تمجید و ستایش
از مقام والای
شهیدان و...
که به شکل‌های
کلیشه‌ای در
اشعار دیگر
شاعران دیده‌ایم،
به گوشه‌هایی از
جبهه و جنگ
نظر انداخته
که برای مخاطب
تازگی دارد

یا گمان کرده که مخاطب معنای آن‌ها را می‌داند؛ از جمله «خط مقدم، خمپاره، قبضه، خان، پاتک».

تا این‌جا به نقاط قوت کتاب «پاتک به لحظه‌ها» اشاره کردیم. خوب است به چند مورد از سهل‌انگاری‌های شاعر هم اشاره داشته باشیم که برخی از شعرها را از قوت دور کرده است.

در تشبیه فوق، مشبه و مشبه‌به، به لحاظ وجه شباهت ارتباط بسیار ضعیفی دارند. در حقیقت تنها وجه شباهت میان افسر و عروسک، سرد و بی‌جان بودن آن‌هاست که از قوت و باورپذیری کافی برخوردار نیست و گویا تنگنای قافیه، کلمه «عروسک» را به شاعر تحمیل کرده است. ضمن این‌که وجود بمب در دل تانک پذیرفتنی است، اما موشک معمولاً در دل تانک نیست!

۱ - ضعف در تصویرسازی شاعرانه

علی‌رغم تلاش شاعر برای نوآوری و توجه به انتخاب سوژه‌های بکر و ناب، در برخی شعرها تصاویر کلیشه‌ای به چشم می‌خورد؛ تصاویری نظیر «موج ایمان» و «عطر شهادت» در ادبیات ذیل:

می‌خروشد مثل دریا / موج ایمان بسیجی
(گله مین، ص ۴)

ناگهان از خاکریزی / می‌کند گل یک بسیجی
در دلش امواج ایمان / روی دوشش آربی جی
(عقاب آتشین، ص ۸)

می‌شود سرباز، پرپر / زیر نیش داغ آن‌ها
عطر شیرین شهادت / می‌رود تا آسمان‌ها
(زنبورهای سربی، ص ۱۲)

۲ - ضعف در صورت‌های خیال و آرایه‌های ادبی

به نظر می‌رسد شاعر در ارائه برخی صورت‌های خیال یا استفاده از آرایه‌های شعری، دقت و وسواس لازم را نداشته و قدری شتابزده عمل کرده است. مواردی از این ضعف را در ابیات ذیل می‌توان دید:

می‌رسد یک تانک بی‌رحم / با دلی از بمب و موشک
افسری در آن نشسته / سرد و بی‌جان، چون عروسک!

(عقاب، ص ۲)

در شعر «بغض گلوله» می‌خوانیم:

آن گلوله بغض کرده
در گلولی قبضه‌ای سرد
ناگهان در خان لوله
دور خود می‌پیچید از درد

● آه، مأموریت او

می‌شود این لحظه آغاز
سوی آن گل مثل شاهین
می‌کند بی‌میل، پرواز

(بغض گلوله، ص ۱۸)

در بند آخر شعر فوق، گلوله به «شاهین» تشبیه شده که به سوی «گل»، یعنی بسیجی با بی‌میلی پرواز می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی





ارزش و اهمیت
چنین شعرهایی،
جدا از تازگی
و ابتکاری که
سوژه‌های
آن‌ها دارد،
در این است که به
مخاطب کودک و
نوجوان کمک می‌کند

تا تصویری
روشن و به دور از
هر گونه پیش‌داوری
و یا قضاوت
یک‌جانبه در مورد
جنگ که اکنون
در فرهنگ ما
با عنوان
«دفاع مقدس»
از آن یاد می‌شود،
در ذهن
داشته باشد

در این بند، شاعر به جای آن که بگوید «بر پشت یک اسب گل‌آلود»، به ضرورت وزن گفته: «پشت بر اسبی گل‌آلود» که از نظر معنایی کاملاً اشتباه است. به علاوه، واژه «گل‌آلود» نیز چندان خالی از اشکال نیست. پسوند «آلود» معمولاً در کلماتی به کار می‌رود که معنای منفی دارد (در اصل «آلوده» بوده که «ه» از انتهای آن حذف شده است و معنای منفی در کلمه آلوده وجود دارد): کلماتی مثل گل‌آلود، خون‌آلود، گناه‌آلود و...

اما در این بیت، معنا مثبت است و با توجه به کلمه «گل» در ترکیب «گل‌آلود»، نوعی تناقض به چشم می‌خورد.

نمونه دیگری از بی‌دقتی شاعر در جمله‌بندی و زبان

شعر را در این بیت می‌توان دید:

می‌چَرَد آرام و معصوم

پوزه‌اش روی زمین است

غافل از آن که بداند

توی یک میدان مین است

(گله مین، ص ۴)

«در جمله غافل از آن که بداند»، «بداند» کامل حشو است؛ چون معنای جمله کامل است:

غافل از آن که ... / توی یک میدان مین است.
«نمی‌داند» در کلمه «غافل» مستتر است و در واقع کلمه «بداند» یک توضیح اشتباه و اضافه است.

نکته آخر این که وجه تسمیه کتاب هم چندان مشخص نیست. آیا شاعر با سرودن شعرهایی در موضوع جبهه و حال و هوای رزمندگان و توصیف صحنه‌هایی از جبهه و جنگ، به لحظه‌های مخاطب پاتک زده است؟! (نامه‌هایی چون کبوتر، ص ۲۰)

می‌دانیم که شاهین «گل» را شکار نمی‌کند. بنابراین، تشبیه مناسبی با سایر اجزای بیت ندارد و ظاهراً شاعر به بازی لفظی میان «گل و گلوله» نظر داشته است.

۳ - ضعف‌های زبانی

در بسیاری از ابیات، شاعر دقت لازم در گزینش واژه‌ها نداشته است. این سهل‌انگاری، سبب سستی و ضعف زبانی در برخی ابیات شده است. به عنوان مثال، این بند از شعر را با سایر بندهای آن به لحاظ زبانی مقایسه کنید:

می‌رسد هم‌سنگری شوخ:

«واقعاً که با خدایی!

هدیه هم داده برایت

ترکشی ریز و طلایی!»

(ترکش طلایی، ص ۱۰)

همین‌طور این بند از شعر «مادر سنگر»:

گشته جاری مهربانی

توی سنگرهای آن‌ها

می‌وزد از دور انگار

بوی مادرهای آن‌ها!

(مادر سنگر، ص ۱۵)

در شعر دیگری می‌خوانیم:

سوی خط می‌تازد این مرد

کار او نامهرسانی است

پشت بر اسبی گل‌آلود

اسب او جز یک موتور نیست